



مفهوم صلح و امنيت بين الملل

مولى
دكتور حميد عليخانى

انتشارات قانون يار

۱۳۹۷

فهرست مطالب

پیشگفتار

فصل اول

کلیات

فصل دوم

مفاهیم و تعاریف

فصل سوم

مفهوم فلسفی صلح و امنیت در دوران جدید

فصل چهارم

صلح و امنیت در قرن ۲۱

منابع و ماخذ

پیشگفتار

کتاب حاضر به بررسی تحول مفهوم صلح و امنیت در قرن ۲۱ پرداخته شده است. اینکه ماهیت صلح چیست؟ و چگونه حاصل می شود؟ چگونه نقض و یا برقرار می شود؟ آنچه تا امروز ضامن بقای آدمی در طول تاریخ بوده است رشد آگاهی بوده، رشدی که در خط افقی و روبه جلوی تاریخ است البته در نظامی آزاد، به اصل وحدت و اصالت جامعه رسیده اند. که این امر موجب ایجاد عدالت اجتماعی و فردی شده است. با ترسیم هرمی که اضلاع را به ترتیب نوک هرم آزادی، عدالت و اجتماع است در ارتباطات و کسب آگاهی به صلح جاوید می رسیم. اما امروزه بنابر اراده ی تابعان حقوق بین المللی یک بروکراسی در حال رشد تعریف شده است که نقض و تهدید صلح در چهارچوب آن تعریف می شود. در پایان راهکار عملی و کارا برای ایجاد صلح ارئه می گردد. برای ایجاد صلح جاوید می بایست

آزادی ارتباطات را تا حد جنون آسایی افزایش داد و
آنها جزئی از حقوق اولیه بشر و از قواعد امره حقوق بین
الملل دانست. آنچه سنتز صلح را تسریع می کند همین
برخورد ملت ها و ایجاد آگاهی است.

فصل اول

کلیات

مقدمه:

در قرن ۲۱ مسأله امنیت و صلح بین المللی دارای اهمیت ویژه ای است و با جنگ هایی که در آغاز این قرن رخ داده است اهمیت این پژوهش را بیشتر آشکار می کند؛ از آنجا که نظام بین الملل در این قرن تحت مواردی مانند سرعت گرفت امر جهانی شدن ، و از پا افتادن و رنگ باختن ناسیونالیسم های رادیکال و نیل به سوی امنیت حقوقی و ساختارگرایی در حقوق بین الملل و در هم تنیدگی و همگونی سازی قوانین و حتی مبانی اعتقادی، اوج گرفته ، جامعه جهانی را متوجه این امر نموده است که « صلح به از جنگ و داوری» (حافظ شیرازی، ۷۹۲ ق) از این رو کلیه اعضای جامعه بین

المللی خود را ملزم به فیصله مسالمت آمیز اختلافات خود با یکدیگر نموده اند .

در حالی که تحول مفهوم امنیت همچنان ادامه دارد و عملیات حفظ صلح بیشتر و بیشتر گسترش می یابد، سیستم به طور فزاینده ای برای مقابله با تهدیدات و ثبات در جهان تلاش می کند. بنابراین برای روشن شدن بیشتر موضوع در مورد زمینه های توجیهی صلح در قرن ۲۱ در مورد اینکه آیا در حقیقت مشکلات حفظ صلح چند بعدی و محدود به نقص های اداری و فنی است که می توان از طریق تنظیمات سازمانی اصلاح شود یا در رابطه با مسائل اساسی تطبیقی امنیت و تحول مفهوم آن است در جهانی سازی دنیای ما و رشد خرد و آگاهی جمعی که موجب باز تعریف ارزشها و هدف های جامع بشری شده است .. به همین ترتیب، این نوشته دارای دو مسیر اصلی است:

نخست ، بررسی تحول مفهوم امنیت انسانی و حفظ صلح جهانی در چهارچوب هرم آگاهی

دوم ، بررسی ارتباط بین صلح و عدالت ، اصالت اجتماع ، در کنش و واکنش با آگاهی.

با در نظر گرفتن مطالعات امنیتی و صلح در یک چارچوب تحلیلی انسانی که هدف تئوری صلح و امنیت است از طریق آزادی ارتباط صورت می گیرد، تقسیم بین گفتمان و سیستم امنیت ساختارگرا با مشکلات عملی صلح پایدار و امنیت جمعی ، جهانی شدن دنیای ما، مطرح می شود. سه مجموعه اصلی یافته ها وجود دارد که نشان می دهد که حفظ صلح توسط سازمان ملل متحد به نهادینه سازی امنیت داخلی کشورها است که نیازمند عمل حکومتی صلح آمیز به عنوان عضو جامعه جهانی است که سازمان ملل نه از لحاظ فنی و نه قانونی قادر به انجام آن نیست. . نخست، سیاست های صلح طلبانه در نتیجه عمل صلح آمیز پیامدهای ناعادلانه ای را در پی دارد که هزینه ایجاد صلح بالا می رود. دوم،

برای ایجاد صلح چند بعدی با موفقیت، سازمان ملل متحد مجبور است که مقاصد اولیه خود به منظور مقابله با اقدامات ضد صلح عدول کند و تابع کشورهای صاحب نفوذ باشد. سوم، حفظ صلح در چهار چوب ساختارگرا بیشتر تشریفاتی است تا نتیجه گرا. "صلح جهانی از طریق قانون" توسط "قانون بین المللی" است که به تدریج تبدیل به یک پدیده واقعی "قانون جهانی" می شود.

هنگامی که فعالیت های خشونت آمیز در یک شهر یا در هر منطقه دیگری در یک کشور رخ دهد، گفته می شود که تهدیدی برای صلح و امنیت وجود دارد. حتی انقلاب در داخل کشور دیگر، تهدیدی برای صلح و امنیت ملی سایر اعضای جامعه جهانی تلقی خواهد شد. اگر نیروهای پلیس یا ارتش به ویژه در منطقه خاص مستقر شوند، برای برقراری صلح و امنیت انجام می شود. اگر جنگ میان ملت ها یا فعالیت های تروریستی در

یک کشور وجود داشته باشد، تهدیدی برای صلح و امنیت بین المللی است. و نیز گفته می شود که سازمان های بین المللی مانند سازمان ملل متحد در جهت حفظ صلح و امنیت در این کشور مشارکت دارند. این دو کلمه، صلح و امنیت نیز به طور جداگانه مورد استفاده قرار می گیرند. همه ادیان از صلح صحبت می کنند. و امروزه در مورد صلح در خانواده یا جامعه نگران هستیم. همچنین درباره نگرانی خانواده ها در خصوص امنیت دختران و زنان وقتی که آنها از خانه بیرون می روند صحبت می کنند..اما به واقعه نمی توان از دستگاه های بروکراتیک عریض و تویلی انتظار ایجاد صلحی پایدار را داشت. باید این مهم را در جای دیگر جست. جایی که بتواند ساختار جدیدی برای صلح جهانی تعریف کند. صلح مفهومی است برابر انسان پس باید اجتماع انسانی آگاه شود تا صلح برقرار گردد. استفاده از اصطلاحات صلح و امنیت در زمینه های مختلف و به طرق مختلف گاه گمراه کننده می شود. به همین دلیل

می بایست جنبه های مختلف صلح و امنیت را در زمینه های فردی، اجتماعی، ملی و بین المللی درک کنیم. تا شاهد جنگ های خانمان سوز بشری نباشیم .

بررسی اهمیت موضوع

در خصوص اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر نیز بایستی گفت تحقیق حاضر در زمینه تحول مفهوم صلح و امنیت بین الملل در قرن ۲۱ است. امنیت، اساس و پایه حیات جامعه است منظور از امنیت، اطمینان خاطر است که بر اساس آن افراد جامعه ای که زندگی می کنند، نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند، خصلت ها و استعداد های گوناگون بشری و سلطه جوئی هایی که افراد را در طول تاریخ به جان هم انداخته مجموعا موانعی سنگین برای نیل به توقعات طبیعی و منطقی جامعه انسانی بوده است اما چاره جوئی های بشر برای دفع موانع و گشایش راه سعادت خود، تحت تعلیمات

پیامبران الهی، فلاسفه، خردمندان و مصلحان، هیچگاه از پای نایستاده است حاصل ملموس این چاره جوئی ها تاسیسات اجتماعی است که قرن ها پیش بشریت به ارزش آن پی برده و همگان در استقرار آن برای رسیدن به خواسته های معقول خود، اتفاق نظر پیدا کرده اند. هر چند جنگ در نظام و ساختار اجتماعی گذشته ابزاری مطلوب در جهت شناخت و ارتباط بشری بوده است. اما امروزه با پیشرفت وسایل ارتباط جمعی جنگ امری آنتی سنتز می نماید که باید از گردونه ی چرخه حیات اجتماعی بشر حذف شود. برای مثال پیشرفت اروپا و ایجاد رنسانس نتیجه جنگ های صلیبی و برخورد و ارتباطی است که جنگ و تراحم عقاید موجب آن شد است. و نهایتا منجر به تجارت و حشر و نشر دو جامعه شد و سنتز این ارتباط دمکراسی است که در غرب شاهد آن هستیم. به علاوه، امروزه تحقق صلح عادلانه ی جهانی به مثابه حلقه ی مفقوده در چالش ها و هنجارهای بین المللی مستلزم توجه بیش از پیش به آن است که این

امر نه تنها موجب رفع ناهنجاری های ملی و بین المللی
بوده، بلکه با اجرای آرمان ها و اصول مقرر در منشور
ملل متحد شرایط تحقق صلح عادلانه ی جهانی را فراهم
می آورد.

فصل دوم

مفاهیم و تعاریف

۲-۱- مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی

آرمان غایی بشر ، دستیابی به صلح و امنیتی پایدار است که در نتیجه آن ،خشونت از زندگی انسان رخت بر بسته و منزلت آدمی و مفهوم انسان ، جایگاه خود را بازیابد در این بخش تلاش خواهیم کرد تا ضمن بررسی اجمالی تاریخچه و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی ، نگاهی نیز به ریشه‌های تحقق آن از زبان صاحب‌نظران داشته باشیم .

۲-۲- تاریخچه صلح و امنیت بین‌المللی

از دیرباز، تصور رهایی از نزاع و جنگ مساوی با صلح بوده است ،با این حال جنگ به عنوان یکی از

ابزارهای سیاست خارجی کشورها بخشی از موجودیت انسان را تشکیل داده و به طور هم‌زمان بیشتر به دنبال راه‌هایی بوده تا نوع انسان را از این بلا برهاند. "جنگ را می‌توان عدم وجود آگاهی تعریف کرد"؛ آگاهی نه به معنی دانش به محفوظات بلکه شناخت کنه اصلی و شالوده هستی است و احاطه بر فضای اضداد است. در دوران کمون اولیه و زندگی اشتراکی، بشر مانند سایر حیوانات مرز قلمرو خود را با ترشحات بدنی مشخص می‌کرد همین تعریف اولیه از مرز و قلمرو-شمینیزی^۱ را به دنبال داشت که توسط نر بزرگ انجام و نگهداری می‌شد که زیربنای جنگ‌هایی آتی را نهاد و در دوران بعد با اضافه تولید و یکجا نشینی بشر، و روی آوردن به کشاورزی و نیاز روز افزون به نیروی کار؛ برده‌داری

^۱ - شَمَن‌باوری یا شمنیسم (Shamanism) نام یک رشته باورهای

سنتی در برخی اقوام بدوی است. که از دوران پیش از تاریخ در سراسر جهان وجود داشته است.

رونق گرفت و جامعه طبقاتی شکل گرفته است و ساختار اجتماعی دوره ی شمنیزم را از شکل ساده ی طولی به هرمی مبدل ساخت . در این ساختار جدید جنگ جزو لاینفک حیات بشری تا عصر امروز که عصر جولان سرمایه داری لاگام گسیخته ؛ شده است. ادیان اولین بانیان صلح در جامعه بشری هستند . و ابراهیم (ع) که مهم ترین شخصیت جهان باستان است تا جایی که می توان تاریخ را به قبل و بعد از ایشان تقسیم نمود . وی با حذف نظام فکری چند خدای و تجلی همه اسما در یک اسم (اله) باعث ایجاد جوامع با ایده و خدای واحد شد که موجب نابودی نظام طبقاتی وقت که در لوای معابد خدا -شهر و سیستم کاهنیت پیرامون آن شد . تا جایی که در دوره های بعد با قوام ادیان تک خدایی جنگ نه به طور کلی بلکه تحت شرایطی ممنوع و مکروه بشر اعلام شد . برای نمونه در میشنه تورات قوانین پادشاهان آمده است که « شما از هر جنگی منع شده اید تا هنگامی که تمامی راه های صلح آمیز را نیازموده باشید»

دیدگاه کتاب مقدس صلح محدود به گروه خاص یا زمان و مکان خاصی نیست و خداوند تمام جهان و تمام فرزندان ابراهیم را با صلح برکت کرده است. (پیدایش باب ۱۲ آیه ۲)

حتی ارزش این مفهوم (صلح) به حدی بالاست که هر گاه خداوند بخواهد جمعی را متبرک کند آنان را با صلح برکت می کند (مزامیر داود باب ۲۹ آیه ۱۱).

وظیفه شرعی یهودیان است که برای برقراری صلح، دوستی و عدالت در جهان تلاش کنند و صلح جهانی از آرزوها و آرمان‌های یهود تلقی گردیده است. (یشعیا نبی ۱۱ آیه ۹-۱۱).

و در مسیحیت به صلیب کشیده شدن عیسی (ع) باعث ایجاد مصالحه با خدا شد. کلام خدا تعلیم می دهد که ما به خاطر ارتکاب به گناهانمان و زیر پا گذاشتن احکام الهی و عصیان علیه خدا دشمن خدا محسوب می شدیم اما به واسطی مرگ مسیح بر صلیب و برداشته

شدن گناهانمان از سوی او ، خدا با ما صلح کرد و به جای دشمنی بین خدا و ما اکنون صلح برقرار است (رومیان ۵: ۱۰-۱۱).

و به صلیب کشیده شدن عیسی نشانه آغاز صلح جهانی است. منظور از آشتی خدا با بشر رسیدن بشر به مرحله ای تازه ای از خلقت است که بین دو نیمکره مغز وی تعادل ایجاد شده و عیسی (ع) با مرگ دردناک خود موجبات تزریق آگاهی در توده ها را ایجاد کرد. و همین آگاهی بنیان صلح جهانی را در آینده تعریف خواهد کرد.

در آیین بودایی - همان آیین ابراهیم (ع) ، که با شمنیزم اقوام بدوی آسیای میانه و شبه قاره هند مخلوط و دو چار نوعی الیناسیون^۱ شده است - بر این باوراند که صلح به یکایک اشخاص بستگی دارد و به همان میزان به

^۱ - از خودبیگانگی یا الیناسیون (Alienation) واژه‌ای است که در لغت به معنای از دست دادن، یا قطع ارتباط با چیزی است .

سازمان ها و گروه ها و نهایتاً سراسر جهان سرایت میکند. و صلح درونی اشخاص استحکام بخش پایه هایی است که تهذیب و تزکیه های اجتماعی و به تبع آن صلح اجتماعی بر روی آن بنا می شود. در حقیقت اگر اعضای جامعه صلح درونی یا آرامش درونی داشته باشند، جامعه می تواند به طور کامل در صلح و آرامش باقی بماند و اگر در درون اشخاص صلحی نباشد، در بیرون صلح و آرامشی نخواهد بود. بودا میگوید: «خشم را با عشق از بین ببرید و بدی را با خوبی، لثامت را با بلندنظری و دروغگویی را با صداقت شکست دهید» (دهامپاده ۲۲۳).

و در گات ها زرتشت این گونه نوشته شده است ((ای اهورا به روان آفرینش تاب و توانایی بخش - از راستی و پاک منشی وسیله ای برانگیز که از نیروی آن صلح و آرامش پدیدار گرد)) . (یسنا ۲۹ بند ۱۰)

من می ستایم آیین مزدیسنا را که دور افکننده جنگ
افزار و ضد جنگ و خون ریزی است (یسنا ۱۲ بند ۹)
در اوستا این گونه جملات بسیار است . چون زندگی
دهقانی و جامعه برده داری به آن صلح نیازمند بوده
است. و این آیین محصول آن دوران بشری بوده است.
در قرآن انسان به صلح و زندگی مسالمت آمیز بسیار
دعوت می شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْخُلُوا فِي السِّلْمِ
كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» ای
ایمان آوردگان! همگی در صلح و آشتی در آید؛ و از
گام های شیطانی پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار
شماست. (آیه ۲۰۸، سوره بقره)

نمونه این آیات در قرآن بسیار است . در سیره نبوی
نیز که موافق سلوک حضرت محمد (ص) بوده ، بر پایه
صلح شکل گرفت است . برای مثال : در ابتدای ورود
ایشان به مدینه پیمان برادری میان مهاجرین و انصار
منعقد گردد.

فهرستی از سنت نبوی در باب صلح به شرح ذیل
است:

صلح مدینه: پیمان میان مسلمانان مهاجر، انصار و
یهودیان مدینه در سال اول هجرت.

بیعت رضوان (شجره): بیعت محمد(ص) با مسلمانان
در راه ورود به مکه در سال ششم هجرت.

صلح حدیبیه (فتح مبین): میان حضرت محمد(ص) و
مشرکان مکه در سال ششم هجری.

صلحنامه ثقیف: در سال نهم میان پیامبر(ص) و قبیله
ثقیف ساکن در طائف منعقد گردید.

پیمان با مسیحیان نجران: پس از عدم انجام مراسم
مباهله ۱، بین پیامبر(ص) و مسیحیان نجران پیمان صلحی
صورت گرفت. (ابن هشام، السیره النبویه، ۱۴۲۳ق / ۰).

^۱ - رویداد مباهله از رویدادهای صدر اسلام است. هنگامی که پیامبر
اسلام و اهل بیتش در یکسو و مسیحیان نجران در دیگر سو آماده ی
مباهله یا نفرین طرف دروغگو شدند. مسیحیان نجران که به مدینه آمده

در یونان باستان دولت - شهرهای یونانی اقدام به تشکیل شوراهایی کردند، تا روابط میان خود را تثبیت کنند. و لذا پیمان ترک مخاصمه را میان خود، جهت تعلیق روابط خصم‌آمیز در حین بازی‌های المپیک منعقد ساختند. سپس دولت روم، صلح روم را برای شهروندان خود مطرح کرد تا از این طریق در سراسر امپراتوری، درگیری مسلحانه را متوقف سازد. بعدها کلیسای کاتولیک روم، فرمان مشهور ترک مخاصمه الهی را در ۱۰۴۱ میلادی صادر نمود که جنگ را در زمان‌های معینی محدود می‌ساخت.

بودند تا در مورد درستی دعوت پیامبر پژوهش کنند با او به محاجه (دلیل آوردن) پرداخته، سرانجام بحث شان به جایی کشید که محمد خواست تا با آنها مباحله کند. هر یک از دو طرف با افراد خود به محل مباحله رفتند. مسیحیان وقتی دیدند که محمد با عزیزترین کسانش آمده و می‌خواهد آنها را به چالش بکشد مطمئن شدند که محمد اگر به خودش مطمئن نبود جان خانواده اش را به خطر نمی‌انداخت. پس از مباحله کناره گرفتند.

با این همه، صلح کلی یا جزئی به عنوان یک رویا باقی ماند. در حالی که شرق پرهیاهو در فترت عجیبی فرو می‌رفت. اروپا به عنوان میراث دار تمدن مشرق زمین نضج می‌گرفت. با ظهور کشور به مفهوم نوین و امروزی آن در اروپا و تفکیک مرزها و رواج ایدئولوژی‌ها نوین، شدت درگیری‌ها افزایش یافت. به تدریج در پایان قرن ۱۸ این تفکر بال و پر گرفت که انسان‌ها باید مسئول اعمال خود شناخته شده و به همین دلیل توسل به زور مورد انتقاد واقع شده سرچشمه این حرکت را می‌توان در اواخر قرن ۱۵ از بازتاب تغییر نگرش به طبقه پادشاهان در اصلاحات انجام گرفته در قوانین اساسی بازیافت (Bobbitt, ۲۰۰۲. p. ۸۹) یکی دیگر از جریان‌های کاری نهضت‌های صلح، ضدیت در مقابل خدمت وظیفه و سربازگیری بوده که اغلب به مفاهیم لیبرالیسم حقوق مدنی یا آزادی افراد ربط داده می‌شد. حتی قبل از اینکه سربازگیری مدرن و در فرانسه

در سال ۱۹۷۳ آغاز شود جنگ و نظام وظیفه بارها در خیلی از کشورها با اعتراض مستمندان و افراد بی سواد روبرو شده بود .

از اوایل قرن نوزدهم، حامیان صلح دریافتند که کمتر می توانند به طور انفرادی در تحقق آرمان خود کامیاب باشند ، بنابراین اولین انجمن ها در سال های ۱۸۱۵ و ۱۸۱۶ در انگلستان و سپس در ۱۸۲۸ میلادی در آمریکا تشکیل شد تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۰۵ شورای ملی صلح تأسیس گردید که فدراسیونی از گروه های موجود بود. جریان تأسیس گروه های مدافع صلح و نیز در فرانسه در سال ۱۸۶۷ و در آلمان در ۱۸۹۱ آغاز شد. و متعاقب این جریان ها بود که دوستان صلح در صدد برآمدند که تا در سطح جهانی مبادرت به تشکیل اداره صلح بین المللی در سال ۱۸۹۲ بنمایند.

(etext.lib.Virginia.Edu) کنگره وین در

۱۸۱۵ طلیعه روند تدریجی تکامل اندیشه صلح را اعتبار بخشید . در طول سال های ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۱ کنفرانس های

متعددی در خصوص اهمیت صلح برپا شد و این جریان دو باره در سال ۱۸۹۹ با حضور ۲۶ کشور در اولین کنفرانس صلح جهانی احیا شد و پیامد آن کنگره‌های سالیانه صلح جهانی تا قبل از برافروخته شدن آتش جنگ جهانی اول در کشورهای مختلف تشکیل گردید. و این در حالی بود که کنگره‌های صلح و داوری ملی در ایالات متحده در بین سال‌های ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۵ پنج بار برگزار شد.

ظهور جنبش‌های مدرن صلح در دهه ۱۸۶۰ به بعد با پیکار برای نجات و رهایی بردگان سیاه، رقم خورد. بدین ترتیب در دوره اوج فعالیت‌های نهضت‌های صلح در قرن بیستم قبل و بعد از جنگ بزرگ اروپایی بین سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ شکل گرفت. دوره اول، سال‌های واپسین دهه ۱۸۸۰ تا ۱۹۱۴ و دوره دوم از دهه ۱۹۲۰ تا نیمه دهه ۱۹۳۰ در اروپا و آمریکا ایجاد شد. دوره اول، فعالیت‌ها مبتنی بر توسعه گروه‌ها و سازمان‌های صلح بود

که در این زمینه، رشد تحسین برانگیزی به وجود آمد. اما از دهه ۱۹۲۰ به بعد شاهد رشد گروه‌های مخالف جنگ و موافق برابری زن و مرد هستیم.

توسعه روح دموکراسی نیز در طول قرن ۱۹ در پیشبرد حرکت نهضت‌های صلح سهیم بود. در طول جنگ جهانی اول، فعالیت‌ها برای تأسیس جامعه ملل یک سو شد و پس از جنگ دوم گروه‌هایی برای تقویت ملل متحد و خلع سلاح تسلیحات هسته‌ای ایجاد گردید.

در ابتدای قرن ۱۹ بود که با رشد و گسترش روزافزون سوسیالیسم، شکل جدیدی از اخلاق بین‌المللی در افق چشم‌اندازی از صلح بر پایه تعریف جدیدی از مرز و گسترش اینتر ناسیونالیسم، اعمال محدودیت بر حاکمیت کشورها آشکار شد از این رهگذر هر چند که استراتژی متحدالشکل یا ایدئولوژی یکپارچه‌ای برای نهضت‌های نوین صلح به دست نیامد ولی موجب شد تا قواعد مشترک حاکم بر اهداف و عملکرد آنها به وجود آید.

پیش از تأسیس سازمان ملل متحد کوشش‌هایی در راه استقرار صلح به عمل آمد. در زمینه سیاسی، عمل مهمی که انجام گرفت، انعقاد قراردادهای لوکارنو در اول دسامبر ۱۹۲۵ بود که به موجب آن چند دولت اروپایی، مرزهای سیاسی را که قرار داد ورسای بین آنها بوجود آورده بود تضمین می‌کردند. قرار داد دیگر پیمان بریان-کلوگ می‌باشد که در ۲۷ اوت ۱۹۲۷ انعقاد یافت. در ماده اول این پیمان که گاه پیمان پاریس نیز خوانده می‌شود برای اولین بار در تاریخ بشر، جنگ به طور کلی از نظر حقوقی و قانونی شناخته شده و دول امضاکننده رسماً جنگ را به عنوان وسیله حل اختلافات بین‌المللی تحریم کردند. در ماده دوم این پیمان، دولت‌ها متعهد شدند که کلیه اختلافات خود را از هر ماهیت و منشأیی که باشد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند. در مواجهه با نقصان جامعه ملل و ازهم‌پاشیدگی روابط بین‌الملل در جنگ جهانی دوم، قدرت‌های بزرگ

تصمیم گرفتند تا سازمان امنیت جمعی جدیدی را
طرح ریزی کنند (Boulden, ۲۰۰۱, p. ۲۰۹)

طی سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ اقداماتی انجام گرفت که
اساس آن پرداختن به موضوع تأسیس یک سازمان
بین‌المللی بود. (ذوالعین، ۱۳۷۷، ۲۸۵-۲۹۲)

با تأسیس سازمان ملل متحد، اقدامات مبتنی بر فصل
ششم و هفتم منشور، هم‌چنان با توجه به مفهوم سیاسی
صلح، ماهیت بیشتر، سیاسی تا حقوقی خود را حفظ کرده
بدون تردید اولین نمونه این اقدامات در سال ۱۹۵۰ در
کره تجویز شد که به دلیل کارشکنی‌های ناشی از حق
وتو در شورای امنیت با تصویب قطعنامه اتحاد برای
صلح در نوامبر ۱۹۵۰ اختیار اتخاذ تصمیم را در مواردی
که روزنه عملکرد شورای امنیت فلج می‌شد به مجمع
عمومی تفویض می‌کرد. به تدریج گسترده عملیات
حفظ صلح توسط ناظرین نظامی در کشمیر، خاورمیانه،
لبنان، قبرس و کنگو افزایش یافت. نقطه عطف
تاریخی این نهضت‌ها را باید در اواخر دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰

سراغ گرفت . جنبش‌های معاصر صلح با هماهنگی خودجوش ۱۲ پایتخت اروپایی و دیگر شهرهای مهم در سال ۱۹۸۱ حیاتی تازه را به خود دیدند. افزایش بی‌سابقه مخالفین فعالیت‌های هسته‌ای در اکتبر و دسامبر ۱۹۸۱ در آتن و آمستردام ، استکهلم ، بخارست ، برلین شرقی و غربی ، بروکسل ، پاریس، رم ، کپنهاک ، مادرید، لندن و هلینسکی موجب شد تا روح یک اتحاد فرامرزی شکل گیرد . در اروپا این سلسله اقدامات در شرایط جنگ سردی نو ، اثر قاطع خود را در تصمیمات دسامبر ۱۹۷۹ ناتو جهت استفاده از نسل جدید از موشک‌ها و ناتمام گذاشتن مذاکرات جدی خلع سلاح بعد از پیمان «سالت دو» که تصویب نشده باقی ماند، حفظ کرد .

خیلی پیش از آنکه جورج بوش رئیس‌جمهور اسبق ایالات متحده در سال ۱۹۹۰ از نظم نوین جهانی سخن به میان آورد، دوستان صلح، دغدغه خاطر یک نظام

سیاسی جهانی را داشتند که مسائلی چون عدالت اجتماعی، حمایت‌های زیست‌محیطی، حقوق بشر، دموکراتیزه شدن و غیرنظامی نمودن روابط بین‌الملل را دربرگیرد.

از آنچه گفته شد بر می‌آید که تاریخ اندیشه صلح را شاید بتوان به قدمت تاریخ بشریت دانست ولی تکوین نهضت‌های صلح بیش از ۲۰۰ سال قدمت ندارند و بیشتر در کشورهای غربی و شمالی تکامل یافته‌اند. و آنچه قبل از آن واقعا شده است نوعی تلاش در جهت تنازع بقا بوده است تا حرکتی خود آگاه در جهت ایجاد صلح پایدار. در حقیقت نهضت‌های صلح مذهب دار، قدیمی‌تر بوده و در دوره‌های تاریخی گوناگون در قسمت‌های مختلف دنیا ظاهر شده‌اند. هدف آنها ایجاد فضایی امن جهت شناخت امتها در سایه صلح بوده است.

۱- Democratization مردم سالارسازی، مردمی کردن، مردمی